

نقش ترویج در نهضت فرهنگی تعاون

عقلایی‌ترین آینده‌نگری بشر در جهت تسهیل اشتغال و ترفیه شرایط زندگی خود، چنین ایجاب می‌کند که ویژگی اصالتاً فطری «با هم زیستن» و «با هم کار کردن» را منطبق با شرایط زمان و مکان و در قالب تشکلهای «تعاونی» و «تعاون - گونه» تحقق بخشد و گسترش دهد.



ویژگی اصالتاً فطری «با هم زیستن» و «با هم کار کردن» را منطبق با شرایط زمان و مکان، و در قالب تشکلهای «تعاونی» و «تعاون گونه» تحقق بخشد و گسترش دهد.

وابستگی ابناء بشر به همدیگر و ضرورت به هم پیوستن آنها، دارای سابقه‌ای کهن به قدمت طول عمر بشر است. اشکال وابستگی و پیوستگی‌های انسانها در طول اعصار و دوران‌های مختلف تاریخ زندگی بشر همواره در حال تغییر و تطور بوده است. و این در حالی است که تحول در ماهیت این پیوستگی‌ها، به خصوص طی دو سده اخیر، همپای با تحولات شگرف علوم و تکنولوژی‌های روز پیشرفت نکرده است.

به عبارتی دیگر، اگر چه ویژگی فطری بشر برای کار و زندگی مبتنی بر تعاون اجتماعی، مقدم بر نوآوری‌های علمی و تکنولوژیک نضج گرفته و در طول تاریخ تکوین یافته است، ولیکن «صور» تکامل یافته «تعاون»، همگام و هماهنگ با علوم و تکنولوژی‌های روز پیش نرفته و موضوع متناسب خود در فرهنگ عامه را نیافته است. شاید به علت همین «عدم همگامی» و یا «نا هم‌آهنگی‌ها» باشد که مشاهده می‌شود علوم و تکنولوژی‌ها در عمل، به خلاف فطرت بشر برای همیاری و همکاری، اغلب به نیت استعمار و یا استثمار ملت‌ها به خدمت گرفته می‌شود، و نه به قصد صرف تسهیل و ترفیه زندگی اجتماعی ابناء بشر.

در عداد علل و عوامل متعددی که می‌توان برای این عدم «همگامی» و یا «ناهم‌آهنگی»‌ها فرض نمود، یکی هم، و شاید هم عمده‌ترین آنها، نهادی نشدن «تعاون امروزین» در فرهنگ عامه مردم باشد. اگر چه بیان شد که «اجتماعی زیستن» از جمله ویژگی‌های فطری انسان است و مظاهر آن هم، حتی تا عصر حاضر در قالب تشکلهای خانواده و قوم و قبیله و ملیت و غیره هم متجلی می‌باشد. ولیکن تحولات و پیشرفت‌های شگرف ناشی از توسعه علوم و تکنولوژی‌های عصر حاضر هنوز در عرصه «مستعد» این خصلت فطری

می‌پیوندند، تا ضمن یکپارچه ساختن توانمندی‌های ذاتی و اکتسابی خود، در مقام تامین نیازهای مشترک خود برآیند - و این هم مفهوم و مضمونی دیگر از فلسفه تعاون است. روند تغییرات و تحولات امروزه زندگی بشر به نحوی در حال دگرگونی است که دامنه این قبیله وابستگی‌ها روز به روز فزونی می‌یابد، و لاجرم ضرورت نوعی پیوستگی متشکل و سازمان یافته، با توجه به پدیده‌های نوظهور و موثر بر زندگی بشر همواره افزون‌تر می‌شود. و از این رو، عقلایی‌ترین آینده نگری بشر در جهت تسهیل اشتغال و ترفیه شرایط زندگی خود، چنین ایجاب می‌کند که

مقدمه

«اجتماعی زیستن» از جمله ویژگی‌های فطری انسان، و تشکیل خانواده بارزترین مصداق و تجلیگاه این ویژگی، یعنی زندگی اجتماعی است. تشکلهای قومی و قبیله‌ای، ملی و عقیدتی و امروزه هم، تشکلهای حرفه‌ای، صنفی و تخصصی پس از تشکیل خانواده، از دیگر مظاهر فطری بشر در نیل به زندگی اجتماعی برای همکاری و همیاری است. انگیزه اساسی این تشکلهای مقدمتاً ناشی از وابستگی متقابل اعضای هر جامعه برای رفع نیازهای معنوی و مادی خود است. انسان‌ها برای نیل به این مقصود، مآلاً به هم

بشر ریشه ندوانده و رسوخ نکرده، و نتیجتاً زمینه تعاون و همیاری به صورت یک عنصر فعال در فرهنگ جوامع بشری «نهادینه» نشده است. و بدین سبب چنین استنباط می‌شود که بشر امروز نتوانسته است عنصر تعاون متکامل یا «تعاون متناسب با شرایط روز» را در فرهنگ خود ایجاد و پایدار نماید. و حال آنکه با هوشمندی لازم و کافی توانسته است عناصر

پیشرفته علوم و تکنولوژی‌ها و نوآوری‌های ناشی از آنها را در فرهنگ عمومی خود گزینش کرده و جایگزین نماید. از قسمت اخیر این مقدمه این چنین می‌توان نتیجه گرفت که «علم و تکنولوژی» در زندگی امروز به سرعت بسیار در حال پیشرفت است، و پایگاههای وسیع و استواری در فرهنگ و خرده فرهنگ‌های حاکم بر جوامع

برای خود ایجاد کرده‌اند، در حالی که خصلت فطری «تعاون» که لازمه کاربرد نوآوری‌های علمی و تکنولوژیکی در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی همان مردم است، از جایگاه مشخص، متحول و متکامل و قدرتمندی در فرهنگ عمومی مردم برخوردار نیست.

بر این اساس، هدف این مقاله توصیف اهمیت و ضرورت تنفیذ عنصر «تعاون امروزی» به عنوان مکمل عناصر در حال توسعه علوم و تکنولوژی‌های روز، در فرهنگ عمومی عامه مردم است. در عین حال، از آنجایی که تنفیذ و تثبیت این عنصر در فرهنگ عامه مردم مستلزم آموزش عمومی و مهارت است، لذا به دنبال دستیابی به مناسب و موثرترین رهیافت آموزشی به منظور برقراری ارتباط با مردم، مکتب آموزشی ترویج مورد بررسی قرار می‌گیرد. باشد که این مقدمه سرآغازی برای یک نهضت پایدار در جهت «نهادی شدن تعاون» در فرهنگ عمومی مردم در حال و آینده باشد.

ترویج چیست؟

در جمله‌ای مقدماتی می‌توان بیان داشت که ترویج نظامی برای رسانش پیام‌ها، برای رواج و روایش نوآوری‌ها، برای مشاوره و رایزنی، برای تعلیم و تعلم، و برای ارشاد و راهنمایی عامه مردم در زمینه‌های متنوع فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است. و در تکمیل این بیان اجمالی اضافه می‌شود که ترویج یک مکتب آموزشی است، و این هم به مثابه دیگر مکاتب و نظام‌های وابسته به آنها، می‌تواند و می‌باید دارای فلسفه، اصول، اهداف و شیوه‌های ویژه‌ای برای ایجاد ارتباط و تعلیم و تربیت ارباب رجوع خود باشد.

ترویج به عنوان یک مکتب، زمینه‌ای مبتنی بر یک نظام آموزشی خاص برای اشاعه علوم کاربردی و فنون و مهارت‌های مناسب در بین مردم در سطح وسیعی از جامعه نصیح گرفته و تحول و تکامل یافته است. حکمت یا فلسفه این مکتب مبتنی بر اهمیت و ضرورت پرورش



اگر چه ویژگی فطری بشر برای کار و زندگی مبتنی بر تعاون اجتماعی، مقدم بر نوآوری‌های علمی و تکنولوژیکی نصیح گرفته و در طول تاریخ تکوین یافته است، ولیکن «صور» تکامل یافته «تعاون» همگام و هماهنگ با علوم و تکنولوژی‌های روز پیش نرفته و موضع متناسب خود در فرهنگ عامه را نیافته است.

ترویج، اصالتاً نشر و اشاعه دانش و مهارت‌های کاربردی از منابع بررسی و تحقیق به اعضای گروه‌های «هدف» یا ارباب رجوع برنامه‌ها، به قصد ارتقاء سطح معلومات و افزایش کارآیی عملی آنان در جریان زندگی و اشتغال است.

و آموزش «فرد» است. یعنی «فرد» واحدی است که تمام کوشش‌های ترویج به منظور آموزش برای کشف و پرورش و رشد استعداد‌های وی متمرکز و بسیج می‌گردد.

اساس حکمت یا فلسفه ترویج از این استدلال منشاء می‌گیرد که «فرد» عامل و عنصر اولیه تشکیل دهنده خانواده، و خانواده‌ها به عنوان اندام‌های اصلی، در مجموع سازنده پیکره اصلی، یعنی جامعه هستند. از این رو، هرگونه کوشش و تلاش آموزشی برای رشد کیفی و پرورش و تعالی فرهنگی «فرد» موجب می‌گردد که در یک فرآیند تکاملی، مآلاً یک «فرد» پرورش یافته مطلوب به واحد خانواده و به تبع آن، بر پیکره جامعه افزوده گردد. افزایش تدریجی و مستمر «افراد» پیشرفته، مترقی و متکامل بر پیکره جامعه و نفوذ آثار و اشاعه الگوهای پنداری و رفتاری آنان در اجتماع به خودی خود، اساس تحول مطلوب در پیکره جامعه در طول زمان است.

ترویج به عنوان یک نظام، موسسه‌ای برای مشاورت و تبادل اطلاعات به منظور آگاهی دادن در باب پدیده‌های نوین، و آگاهی یافتن از مسائل و مشکلات نوظهور در محیط، و ترغیب ارباب رجوع برای «مشکل‌یابی» است. به عبارتی دیگر، ترویج اصالتاً نشر و اشاعه دانش و مهارت‌های کاربردی از منابع بررسی و تحقیق به اعضای گروه‌های «هدف» یا ارباب رجوع برنامه‌ها، به قصد ارتقاء سطح معلومات و افزایش کارآیی عملی آنان در جریان زندگی و اشتغال است.

ارباب رجوع و یا اعضای «گروه‌های هدف» برنامه‌های ترویج مشتمل بر تمام اعضای گروه‌های اجتماعی از جمله روستاییان، عشایر، کارگران، کارمندان، و اعضای گروه‌های صنفی و حرفه‌ای، مثلاً کشاورزان، دامداران، صیادان، صنعتگران و

کارگزار، توأم با خدمات ترویجی برای اشاعه تشکیلاتی و عملکرد ترویج هم، اصالتاً مشروط و متکی بر تعاون است. بدین معنا که فعالیت بخش تحقیقات برای تولید تکنولوژی‌های نو، و به دنبال آن تلاش بخش آموزش رسمی برای تربیت نیروی انسانی نوآوری‌های مناسب و مفید و موثر در بین گروه‌های ارباب رجوع از طریق ایجاد ارتباطات لازم، در واقع چیزی جز همیاری و همکاری نزدیک این سه بخش عامل در یک فرآیند ماهیتاً «تعاون - گونه» نمی‌باشد. زیرا هر آینه سه بخش تحقیقات، آموزش و ترویج با هم و برای هم کار نکنند، وجود هر یک به تنهایی در فرآیند توسعه عبث است. بر مبنای همین استدلال است که در بعضی از کشورهای توسعه یافته مکتب آموزشی ترویج را خدمات «تعاون - گونه» لقب داده‌اند.

فلسفه ترویج

بیان شد که فلسفه ترویج مبتنی بر اهمیت «فرد» است. یعنی اینکه «فرد» مقصودی است که تمام کوشش‌ها برای پرورش فرهنگی وی متمرکز و بسیج می‌گردد. این فلسفه، پرورش «فرد» را بر روش توجه نسبی بر «جمع» ترجیح می‌دهد. بدین منظور در جریان پرورش «فرد»، فلسفه ترویج بر سه رکن: آموزش، خودیاری و همیاری استوار می‌باشد. مبنای این اصول هم ناشی از مفاهیم و مبانی مستتر در خود فلسفه است که بر پرورش «فرد» تکیه دارد.

کار پرورش «فرد» با آموزش آغاز می‌گردد. با آموزش مستمر «فرد» به مرحله‌ای ارتقاء می‌یابد که با تکیه بر آموخته‌های علمی و عملی خود، «خودیاری» می‌گردد. یعنی برای انجام امور مربوط به خود، «فرد» قائم به ذات خویش و یا متکی به نفس می‌گردد. یعنی از لحاظ معلومات و مهارت‌های عملی بارور و

پیشه‌وران در زمینه‌های مختلف می‌باشند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که گروه‌های ارباب رجوع در این مکتب، اگر چه از لحاظ زمینه اجتماعی و یا اشتغال صنفی و حرفه‌ای با هم مشترک می‌باشند، ولیکن از باب متغیرهایی چون سن، میزان سواد، سطح اطلاعات عمومی و تخصصی و میزان درآمد و غیره با هم متفاوت هستند. تنوع ارباب رجوع به سبب همین گونه متغیرها، از جمله ممیزه‌های مکتب آموزشی ترویج نسبت به مکتب آموزش کلاسیک یا رسمی است. از این رو، می‌توان گفت که آموزش گیران این مکتب واجد تفاوت یا نابرابری‌های زیادی با همدیگر می‌باشند، که این هم مبین صعوبت کار برنامه‌ریزی برای آموزش و اجرای آن توسط آموزشگران ترویج است.

هدف اساسی برنامه‌ها در مکتب ترویج نیل به تحول و توسعه منابع انسانی از طریق یاد گرفتن و یاد دادن است. بدین لحاظ، دو سویه بودن جریان اطلاعات از مشخصه‌های بارز این مکتب در مقایسه با دیگر مکاتب آموزشی است. از این رو، ترویج به عنوان یک فرآیند آموزشی دو سویه، و نه یک سویه و اجرائی، اصالت دارد. بدین جهت است که ترویج به لحاظ شیوه‌های عملکردی، یک نظام آموزشی خارج از قالب‌های متداول در نظام‌های کلاسیک و آموزش‌های رسمی قلمداد می‌شود.

پایه‌های مکتب و ترویج بر مبنای «تعاون» استوار است. چه آنکه، نه تنها خودیاری و همیاری دو رکن فلسفه این مکتب را تشکیل می‌دهند، بلکه وجود خارجی ساختار

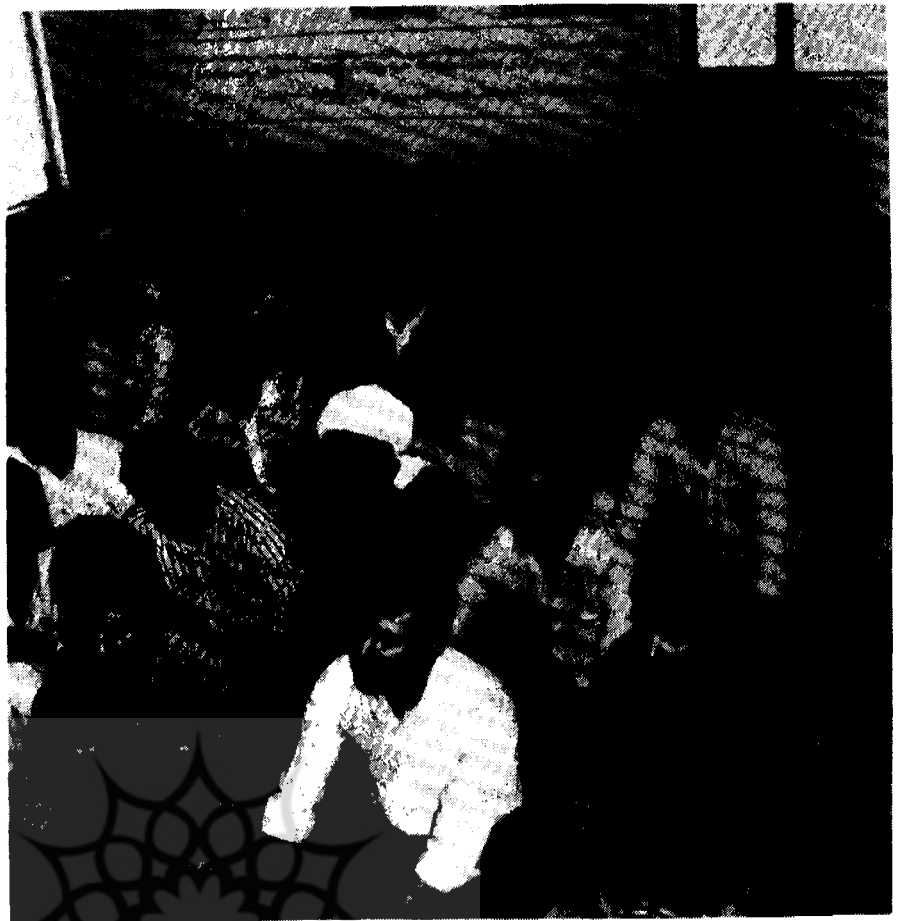
پایه‌های مکتب ترویج بر مبنای «تعاون» استوار است. چه آنکه، نه تنها خودیاری و همیاری دو رکن فلسفه این مکتب را تشکیل می‌دهند، بلکه وجود خارجی ساختار تشکیلاتی و عملکرد ترویج هم، اصالتاً مشروط و متکی بر تعاون است.

تنفيذ این فرهنگ است - که این هم ترویج است. با این توصیفات، اینک می‌توان ترویج و تعاون را لازم و ملزوم همدیگر دانست. یعنی اذعان داشت که ترویج بدون تعاون و تعاون بدون ترویج، هیچک به تنهایی کارساز نیستند.

اصول عمومی ترویج

مضاف بر ارکان زیر بنای فلسفه ترویج، اصول ترویج بر مبنای یک سلسله اندیشه‌های پایه‌ای و بنیادی ملهم از فلسفه وجودی ترویج پی‌ریزی شده است. اگر چه این اصول حسب مخاطبین و زمینه‌های مورد توجه برای آموزش، و نیز حسب زمان و مکان در تغییر هستند، ولی تعدادی از آنها به عنوان «اصول عمومی» در طول تاریخ تکوین علم ترویج تکامل یافته، و به صور مختلف تبیین و تدوین شده‌اند. این اصول در حکم قواعد و قوانین بنیادین نظام ترویج در فرآیندهای: برنامه‌ریزی، مدیریت و سرپرستی، تشخیص «گروه‌های هدف» برنامه‌ها، برقراری ارتباط، گزینش محتوای برنامه‌ها، انتخاب روش‌های آموزشی، و نیز شیوه‌های ارزشیابی فعالیت‌های آموزشی ترویج، به عنوان شاخص‌ها و راهنماهایی ثابت و مسلّم مورد استفاده قرار می‌گیرند. یک استراتژی حاکم بر این اصول، موضوع «محوریت آموزش» در تمام موارد، این قبیل اصول عمومی است. به عبارتی دیگر، ماهیت آموزشی این قبیل اصول عمومی، وجه مشترک تمام آنها و لذا، موثرترین وسیله تفکیک مکتب آموزشی ترویج از دیگر مکاتب و نظام‌های اجرایی و اداری است. اصول عمومی مکتب آموزشی ترویج عبارتند از:

- ۱- آموزش دو - سویه (تعلیم و تعلم)، قدم - به - قدم و مستمر ارباب رجوع.
- ۲- آموزش مبتنی بر برنامه‌ریزی، با مشارکت ارباب رجوع.
- ۳- آموزش محتوای مبتنی بر یافته‌های پژوهشی.
- ۴- آموزش ارباب رجوع برای توانمند



رکن همیاری رابط فلسفه مکتب آموزشی ترویج با نهضت تعاون است و از این رو است که به قوت می‌توان ابراز داشت که «نهادی شدن» تعاون به عنوان یک عنصر فعال در فرهنگ عامه مردم، مقدمتا مستلزم آموزش برای «خودیار» کردن افراد و سپس «هم یار» کردن آنان برای اشاعه و تنفيذ این فرهنگ است.

خود برای خود، اینک در شرایط مناسبی برای یآوری دادن به دیگران می‌باشد، و همین هم اساس توسعه همیاری‌های اجتماعی را پی‌ریزی کرده است - یعنی اینک، فرد آموزش دیده - خودیار، توان تعلیماتی و مهارتی دارد، انگیزه یساریگری هم دارد، پس می‌تواند «یاور» دیگران هم باشد.

رکن همیاری بدین ترتیب، رابط فلسفه مکتب آموزشی ترویج با نهضت تعاون است. و از این روست که به قوت می‌توان ابراز داشت که «نهادی شدن» تعاون به عنوان یک عنصر فعال در فرهنگ عامه مردم، مقدمتا مستلزم آموزش برای «خودیار» کردن افراد و سپس هم، همیار کردن آنان برای اشاعه و

خود - اتکاء پرورش می‌یابد، و این هم «خودیاری» یا دومین رکن فلسفه وجودی ترویج است.

با وجود این، از آنجایی که در دنیای پیشرو امروز، نیاز اعضای جوامع به همدیگر روز افزون است، و در عین حال، دانش - آموخته‌های «خودیار» مکتب ترویج هم توانمندی انتقال معلومات و تجربیات خود برای یآوری دادن به دیگران را کسب کرده‌اند، بنابراین سومین رکن از فلسفه ترویج، تعاون را مورد توجه قرار داده و «همیاری» را رکن مکمل دو رکن دیگر قلمداد می‌کند. این بدین مفهوم است که «فرد» مورد آموزش پس از ارتقاء در دانش و مهارت و کاربرد آموخته‌های

کردن آنان در فرآیند (مشکل‌یابی) و «مشکل‌گشایی».

۵- آموزش ارباب رجوع برای شناسایی و حفظ و استفاده موثر و مناسب آنان از منابع موجود و مستعد.

۶- آموزش ارباب رجوع داوطلب، صرف نظر از نابرابریهای نژادی مذهبی، طبقاتی و اقتصادی و اجتماعی.

۷- آموزش مبتنی برخواست‌ها و نیازها، و سازگار با شرایط اقتصادی و اجتماعی ارباب رجوع.

۸- آموزش بر مبنای موازین فرهنگی حاکم بر جامعه ارباب رجوع.

۹- آموزش در جهت به‌کارگیری توان‌های بالفعل و کشف و پرورش استعدادها بالقوه ارباب رجوع.

۱۰- آموزش در جهت کشف و پرورش رهبران فنی و اجتماعی.

۱۱- آموزش در جهت ایجاد تشکلهای رهبری محلی و صنفی و حرفه‌ای و تخصصی.

۱۲- آموزش مستمر کارگزاران ترویج.

کاربردهای ترویج

از مطالعه آثار و سوابق موجود چنین استنباط می‌شود که ظهور ترویج ابتدائاً معلول پیدایش، افزایش و انباشتگی اطلاعات و معلومات حاصل از تحقیقات و تفصیحات علمی در مجامع دانشگاهی و مراکز پژوهشی بوده است. و این در حالی بوده است که یک جامعه «بالقوه علاقه‌مند» منتظر دستیابی به وجوه عملی و کاربردی اطلاعات و معلومات حاصل از تحقیقات و تفصیحات انباشته در «بایگانی‌ها و مخازن کتب و مدارک علمی» موسسات مذکور بوده‌اند. و همین هم مقدمه نشت یافته‌های تحقیقاتی و موارد کاربردهای عملی آنها در بین جوامع علاقه‌مند گردید، و ناگزیر به تدریج، نظمی نوین برای انتقال اطلاعات و معلومات از موسسات دانشگاهی و مراکز پژوهشی به علاقه‌مندان به کاربرد آنها نضج گرفت و «ترویج» نامیده شد.

استفاده واقعی از واژه ترویج (Extension)

از جمله خصلت‌های زنده تعاون و یادگیری در بین آحاد و گروههای اجتماعی، موضوع ارتباطات دینی مردم در برگزاری مراسم مذهبی است که به هر صورت مبین ریشه‌دار بودن خصلتهای «یاوران» در فرهنگ عموم مردم به تبعیت از اعتقادات دینی و موازین مذهبی است.

شمسی با تمرکز بر موضوع‌های عمومی کشاورزی آغاز گردید. ولیکن حیطة فعالیت‌های آن پس از انقلاب اسلامی به موضوع‌ها و زمینه‌های تخصصی‌تری نیز گسترش داده شد. حیطة عملیات ترویج را امروزه می‌توان حسب موضوع‌ها، حسب زمینه‌های خدماتی، و حسب ارباب رجوع یا «گروههای هدف» برنامه‌ها در قالب زیر مجموعه‌های زیر تقسیم‌بندی نمود. بعضی از این زیر مجموعه‌ها در حال حاضر در قالب تشکلهای سازمان یافته، موجود و فعال هستند، و برخی دیگر توسط موسسات ذربط در جریان مطالعه و بررسی برای تشکیل می‌باشند.

زیر مجموعه‌های ترویج بر حسب موضوع عبارتند از:

ترویج زراعت،

ترویج باغبانی،

ترویج دامپروری،

ترویج دامپزشکی،

ترویج پرورش آبزیان،

ترویج شیلات،

ترویج جنگلداری،

ترویج مرتعداری، و

ترویج آبخیزداری.

و بر حسب زمینه‌های خدماتی عبارتند از:

ترویج عمران،

ترویج صنایع،

ترویج تعاون،

ترویج بهسازی مسکن،

ترویج بهداشت و تغذیه، و

ترویج خدمات.

و بالاخره، بر حسب مخاطبین، ارباب رجوع و

یا گروههای «هدف برنامه» عبارتند از:

ترویج برای عموم،

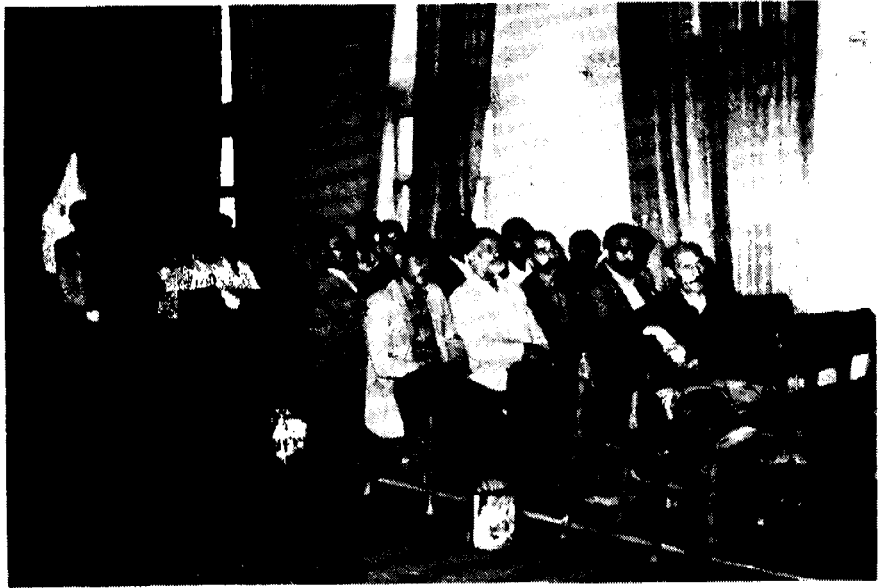
ترویج برای عشایر،

و یا عملاً نظامی برای اشاعه علوم و انتقال یافته‌های پژوهشی دانشگاهی به علاقه‌مندان شاغل در صحنه‌های عمل، اصالتاً از سال ۱۸۶۶ میلادی توسط دانشگاههای کمبریج و آکسفورد، و سپس هم توسط دیگر موسسات آموزشی انگلستان و سایر کشورها آغاز شد. بنابر گفته فارکوهار (۱۹۷۳)، واژه آموزش و پرورش ترویجی (Extension Education) یا آموزش ترویجی، نخستین بار در سال ۱۸۷۳ توسط دانشگاه کمبریج و به منظور ارائه توصیفی از این نوآوری خاص در امر آموزش ارائه گردید، و هدف از آن عبارت از اشاعه مزایای آموزش‌های دانشگاهی در بین مردم عادی بود.

در سال ۱۸۵۳ کالج امهرست ایالت ماساچوست با ایجاد «موسسه کشاورزان» مبادرت به نخستین اقدام آموزشی برای ترویج کشاورزی در آمریکا نمود. به دنبال این قبیل اقدامات، در سال ۱۸۹۰ «انجمن ترویج تعلیمات دانشگاهی» تاسیس شد، و این اقدام به صورت «نهضت ترویج دانشگاهی» به سایر کالج‌های دولتی نیز گسترش یافت.

اگر چه این گونه نظام‌های ترویجی از ابتدا متکی به دانشگاهها و بر اشاعه یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کشاورزی متمرکز بودند، ولیکن در طول زمان با تاسیس و توسعه مراکز پژوهشی دولتی و غیردانشگاهی در سایر زمینه‌های غیرکشاورزی و رسوخ آن به کشورهای دیگر، حیطة زمینه‌های مورد آموزش نظام ترویج از موضوعات کشاورزی و روستایی به سایر زمینه‌ها نیز گسترش یافت. تا جایی که امروزه ترویج در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و رفاهی در کشورهای مختلف جهان مورد استفاده قرار گرفته و اشتهار دارد.

ترویج در ایران، از سال ۱۳۳۱ هجری



نباید از نظر دور داشت که اعضای تشکلهای رسمی تعاونی با نظامنامه‌های از پیش طراحی شده، نه به تبعیت از یک انگیزه «معنوی» بلکه به حکم یک نیاز «مادی» و به قصد تحصیل سود به گردهم می‌آیند. مادام که این نیاز مادی ملاک بهم پیوستگی افراد است، سرنوشت هر تشکل رسمی تعاونی مشروط و موقوف به سود دهی آن تشکل است.

تکنولوژی‌های نوین به طور متناسب و همگام و هماهنگ با آن تحولات تکامل نیافته، و در فرهنگ عمومی مردم امروز پرورش پیدا نکرده است.

علی‌رغم این وضعیت، تاریخ زندگی اجتماعات روستایی، عشایری و شهری ایران حاوی نمونه‌های بارزی از خصلت‌ها و نظام‌های زنده و نیز راكد «تعاون و یاریگری» می‌باشد. از جمله خصلت‌های زنده تعاون و یاریگری در بین آحاد و گروههای اجتماعی، موضوع ارتباطات دینی مردم در برگزاری مراسم مذهبی است، که بهر صورت مبین ریشه‌دار بودن خصلت‌های «یاوران» در فرهنگ عمومی مردم، به تبعیت از اعتقادات دینی و موازین مذهبی است.

در عین حال، از جمله نشانه‌های تعاون «در حال رکود» و یا «منقرض» در فرهنگ عمومی هم می‌توان به نظام‌های سنتی بهره‌برداری از منابع آب و زمین و مرتع اشارت داشت. به طور مثال طی اعصار مختلف، نظام‌های

ترویج برای آموزش جوانان (انجمن‌ها و باشگاههای آموزشی)،

ترویج برای آموزش زنان (ترویج خانه‌داری)، و

ترویج رفاه اجتماعی برای گروههای ویژه. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که «ترویج تعاون» مستقلاً به عنوان یکی از زمینه‌های خدمات آموزشی منظور گردیده است. و این در حالی است که «مبحث تعاون» به عنوان موضوع و محتوای آموزشی برنامه‌های مختلف، می‌تواند در تمام زیر مجموعه‌های مذکور منظور گردد.

زمینه کاربرد ترویج در نهضت فرهنگی تعاون

بر مبنای آنچه که در مقدمه آمد، خصلت‌های همزیستی و همکاری اصالتاً از جمله ویژگی‌های فطری انسان است، در حالیکه این خصلت‌ها در طول زمان و در برخورد با پدیده‌های منتج از توسعه علوم و

بهره‌برداری از زمین در روستاهای ایران بر مبنای اصول نسق‌بندی سنتی و در قالب نظام‌های متناسب تعاونی و یا «تعاون - گونه» بنه، حراثت، «جفت گاو - زمین» و گاو‌بندی و غیره در جریان تولید محصولات کشاورزی فعال بوده است. این گونه نظام‌های بهره‌برداری تعاونی و یا «تعاون - گونه» سنتی با توسعه علوم و تکنولوژی‌های نوظهور و به تبع آنها اشاعه مکانیزاسیون، عملاً به حال رکود درآمده‌اند و یا اصولاً منقرض شده‌اند. و حال آنکه هیچ نظام تعاونی متکامل و متناسب با این تغییرات جانشین نظام‌های سنتی بهره‌برداری از زمین نشده، و اگر هم شده است، مادام که بر مبنای همفکری و مشارکت مردم، و با استناد به ریشه‌های تعاون در فرهنگ عمومی آنان پی‌ریزی و به کار گرفته نشده‌اند، به طور موثر مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و یا پایدار نمانده‌اند. از همین نمونه‌ها در مورد نظام‌های «تعاون - گونه» بهره‌برداری از منابع آب زراعی، یا مراتع عمومی و نیز نظام‌های همیاری در واحدهای صنفی و دیگر واحدها و کارگاههای تولیدی و خدماتی می‌توان نام برد. رکود یا انقراض نظام‌های تعاونی یا «تعاون - گونه» سنتی برای بهره‌برداری از منابع و عوامل تولید، به ظاهر سبب توقف عملیات تولید و یا رکود در ارائه خدمات مربوط نشده است. در حالی که اندک سابقه موجود نشان می‌دهد که عملکرد نهادها یا نظام‌های جانشین آنها موجب بروز تبعات متعدد اقتصادی و اجتماعی در جوامع مربوط شده است. از جمله این تبعات، تشدید عرضه بیکاری و افزایش نرخ مهاجرت است که عمدتاً به سبب عدم بهره‌برداری صحیح از نیروی انسانی موجود و نیز، عدم استفاده از عوامل و ابزار سنتی تولید عارض شده است.

نتیجتاً این تبعات ضمن کمک به توزیع نابرابر درآمدها، افزایش روزافزون نقش سرمایه «فردی» در فرآیند تولید و انجام خدمات تولیدی را هم به دنبال داشته و دارد. شاید به عبارتی دیگر بتوان بیان داشت که در قالب نظام‌های سنتی تعاون و همیاری، همه

در هر موردی که آثاری از خصلتهای فرهنگی تعاون سنتی و نیازمندیهای اصالتاً مشترک اعضا در ایجاد تشکلهای رسمی دخیل بوده است، عملاً موجبات بهم پیوستگی بیشتر در استمرار عضویت آنان را فراهم آورده و باعث مزید پایداری تشکل تعاونی مربوط بوده است.

مردم ذریبظ از طریق «شراکت سرمایه‌ای» و مشارکت نیرو به صورت‌های مبادله عوامل، ابزارها و یا نیروی کار «جمعی» خود، همواره در حد بهره‌وری مطلوب مشغول به کار بودند. و اینکه در غیاب آن نظام‌ها، نقش سرمایه «فردی» برای خرید تکنولوژی و عوامل مربوط، روز به روز موثرتر واقع شده، و از این رو کمبود سرمایه برای هر یک از «افراد» نیز، همواره به صورت یک محدودیت جدی مطرح بوده و خواهد بود. امروزه برای مقابله با این محدودیت، موضوع تشکلهای رسمی تعاونی مطرح است.

تشکلهای رسمی تعاونی با نظامنامه‌های از پیش طراحی شده، اگر چه بر مبنای مستندات قانونی ایجاد و اداره می‌گردند، ولیکن نمی‌باید از نظر دور داشت که اعضای تشکیل دهنده آنها، نه به تبعیت از یک انگیزه «معنوی» به نیت و به صرف همکاری و همیاری، بلکه به حکم یک نیاز «مادی» تو به قصد تحصیل سود به گردهم می‌آیند. مادام که این نیاز مادی ملاک بهم پیوستگی افراد است، سرنوشت هر تشکل رسمی تعاونی مشروط و موقوف به سوددهی آن تشکل است، که این هم با توجه به نوسان‌های مستمر اقتصادی و اجتماعی همواره در معرض مخاطرات احتمالی در بازار است.

تعاونی‌های تولید، تعاونی‌های خدمات، تعاونی‌های مصرف و تعاونی‌های مسکن سازی، و سایر تعاونی‌ها و شبه - تعاونی‌های تولیدی و خدماتی و مسکن داری و موارد متعدد دیگر از این قبیل، همگی از جمله تشکلهای نوظهور به تبع پیدایش علوم و تکنولوژی‌های نوین و آثار ناشی از آنها در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم در دنیای امروز است. این تشکل‌ها عمدتاً به تجویز منابع اعتباری یا صاحبان سرمایه‌ها و کارفرمایان، و یا

با هدف بهره‌مندی از مزایای سیاست‌های حمایتی دولت از طریق تبصره‌های قانون بودجه برای برآوردن نیازهای «مادی» اعضا، بر مبنای نظامنامه‌های قانونی ایجاد و اداره می‌گردند. و حال آنکه اصالتاً همگام و هماهنگ با خصلتهای همکاری و همیاری و به تبعیت از یک انگیزه معنوی ریشه‌دار در فرهنگ عمومی جامعه مربوط تکوین نیافته و اداره نمی‌شوند. با وجود این، در هر موردی که آثاری از خصلتهای فرهنگی تعاون سنتی و نیازمندی‌های اصالتاً مشترک اعضا در ایجاد این قبیل تشکلهای رسمی دخیل بوده است، عملاً موجبات بهم پیوستگی بیشتر و استمرار عضویت آنان را فراهم آورده و نتیجتاً باعث مزید پایداری تشکل تعاونی مربوط بوده است و این نکته قوتی در اهمیت و ضرورت تطبیق تحولات ناشی از توسعه علوم و تکنولوژی‌های نوظهور با مبانی سنتی تعاون و همیاری در شرایط اقتصادی و اجتماعی روز می‌باشد.

با ذکر این مقدمات، پیشنهاد کلی این مقاله پی‌ریزی یک نظام متکامل تعاونی بر مبنای مفروضات زیر است:

- بشر فطرتاً اجتماعی و متمایل به همزیستی، همکاری و همیاری است.

- سوابق، آثار و نمونه‌های بسیار زیادی از تشکلهای مردمی برای همیاری و همکاری در شئون متنوع فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در جوامع مختلف وجود داشته و دارد.

- توسعه علوم و تکنولوژی‌های نوین اختلالات زیادی را در راه به کارگیری نظام‌های سنتی تعاون در زمینه‌های مختلف زندگی و اشتغالات مردم در جامعه فراهم آورده است.

- نظام‌های سنتی تعاون و همیاری در طول دو سده اخیر نتوانسته‌اند با سیر تحولات علمی

و تکنولوژیکی جهان امروز همگام و هماهنگ شوند.

- در هر موضع و موضوعی که پدیده‌های نوین علمی و تکنولوژیکی منطبق و همگام و هماهنگ با اصول و موازین سنتی همیاری و همکاری به خدمت گرفته شده‌اند، موجبات پیشرفت فراهم شده است.

- نظام‌های پیش ساخته و فارغ از مشارکت مسئولانه اعضا بالقوه در پی‌ریزی اصول و مبانی آن، برای تشکلهای مردمی تعاون کارساز نیستند.

- آموزش مبتنی بر پژوهش، مبنای پرورش روحیه «تعاونی» در افراد است، و استمرار آموزش، مهمترین وسیله تنفیذ و تقویت عنصر «تعاون» در فرهنگ عامه مردم است.

نیل به چنین نظامی مقدمتاً مستلزم:

شناخت خصلتهای سنتی جامعه برای همزیستی و همیاری و همکاری، شناخت بینش‌ها و رفتارهای ارتباطی مردم در جریان زندگی و اشتغالات امروزی، شناخت سطح آگاهی‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها و تجربیات و نظریات مردم درباره تعاون و آگاهی به تحولات نوظهور و موثر بر ارتباطات اجتماعی و اقتصادی مردم.

به منظور پی‌ریزی مبانی فلسفی و اصول و اهداف عملیاتی یک نظام متکامل تعاونی می‌باشد.

این نظام متکامل می‌باید در سطح جامعه مطرح و با استفاده از روشها و رسانه‌های مناسب به آگاهی همگان برسد - و این هم مقدمه ترویج نهضت تعاون است.

هدف کلی از ترویج نهضت تعاون، اشاعه و تنفیذ اصول متناسب و متکامل تعاون برای همزیستی، همیاری و همکاری مردم در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و «نهاده‌ها کردن» این اصول در فرهنگ عمومی جامعه است.

ضمن اشاعه و تنفیذ اصول نوین تعاون، عملی‌ترین شیوه تداوم این نهضت جلب مشارکت مردم در قالب گروه‌های اجتماعی

نقش یک نظام ترویجی مبتنی بر «آموزش و پژوهش» در نهضت تعاون، ارائه آموزشهای مستمر به اعضای گروههای «هدف» برنامه‌ها به منظور ارتقاء سطح اطلاعات و معلومات و نتیجتاً تکامل کیفی آنان برای نیل به مرحله خود اتکایی و خودیاری و در تکمیل آن، تداوم ارتباطات آموزشی برای ایجاد و پرورش هسته‌های رهبری در جریان پی‌ریزی تشکلهای سازمان یافته تعاونی است.

نتیجه اینها هم، یعنی اصول فلسفه و اهداف و مفاهیم و روش‌های تعاون را با موضوع، موضع، مکان و شرایط حاکم منطبق کردن. یعنی پویا کردن تعاون، یعنی مردمی کردن تفکر تعاونی، و همه اینها، یعنی «نهادینه» کردن تعاون به عنوان یک عنصر فعال در فرهنگ عمومی جامعه - و این هم ضرورتی در جهت تامین انگیزه‌های معنوی مردم است، ولو اینکه در این فرآیند تامین نیازهای مادی هم مطمح نظر باشد.

سوابق تاریخی و آثار مشهود آن در جامعه امروز، قویاً موید این نظریه است که مردم عموماً، نیازمند تعاون هستند و لذا زمینه پذیرش مفاهیم و مضامین نو و مناسب و کارساز آن در بستر فرهنگ جامعه مستعد است. چه آنکه تحولات اقتصادی و اجتماعی ناشی از گسترش علوم و تکنولوژی‌های نو ظهور هم، همین ضرورت را ایجاب می‌نماید.

آنچه لازم است تبیین و تسجیل این مفاهیم و مضامین و اشاعه و تنفیذ آن در فرهنگ عمومی جامعه است، که این هم مستلزم یک نهضت، و آنهم با استفاده از مکتب آموزشی ترویج است. کار آموزش و ترویج مستلزم تلاش مستمر و صرف وقت است. که این هم از ویژگی‌های کار فرهنگی است، و تعاون هم یک نهضت فرهنگی است، و لذا چاره‌ای نیست جز به آن پرداخته شود.

منابع

- ۱- توسعه و ترویج روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، تهران.
- ۲- شاخص‌های ارزشیابی در ترویج توسعه روستایی، هشتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور، دانشگاه تبریز، تابستان ۱۳۷۴، تبریز.
- ۳- مجموعه مقالات ششمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور، دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۱، تهران.

و تنگناهای ناشی از کاربرد راه و روشها و توصیه‌های پژوهشی از صحنه‌های عمل و اجراء به مراجع تحقیقاتی برای بررسی مجدد و پاسخ‌یابی است. کما اینکه ضرورت دارد که ترویج نظریات و پیشنهادهای تحلیل شده اعضا و کارگزاران تعاونی‌ها را برای مطالعه و بررسی علمی به مراجع تحقیقاتی منعکس نماید و پاسخ‌های مستند و مبتنی بر پژوهش این مراجع را به صحنه‌های عمل و اجراء اعاده دهد. در توصیف این فرآیند می‌توان گفت که:

- پژوهش برای حل مسائل و ابداع راه و روش‌های نوین به منظور دستیابی به یافته‌های موثر و مناسب،
- آموزش برای انتقال مجموع این یافته‌ها به کارشناسان و کارگزاران و مروجان تعاون، و
- ترویج برای اشاعه و جوه عملی و امکان‌پذیر این یافته‌ها به عنوان توصیه‌های علمی در بین گروه‌های اجتماعی داوطلب.

و سپس در دور دوم این فرآیند،

- انعکاس نتیجه عملکرد و تبعات مستقیم و جانبی کاربرد این یافته‌ها از تعاونی‌ها به مراجع پژوهشی، و
- انتقال نتایج حاصل از پژوهش‌های نو و مجدد برای تکمیل اطلاعات کارگزاران و مروجان تعاون، و باز هم،
- ترویج یافته‌های جدید در بین گروه‌های اجتماعی مربوط.

این دور تسلسل و تکرار مداوم آن، یعنی گردش منظم اطلاعات علمی و عملی بین مراجع پژوهشی و میدان‌های آزمایش و صحنه‌های واقعی عمل. و یعنی مبادله اطلاعات و معلومات بین کارشناسان فنی و عامه مردم. و

«هم - فکر»، «هم - فن»، «هم - مایه»، «هم - پایه»، «هم - کار»، «هم - درس»، «هم - سابقه» و «هم راه» برای «ساماندهی»، «مشکل - یابی»، «امکان - سنجی»، «ساماندهی»، و «مشکل - گشایی» است. هر یک از این گونه فرآیندها در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی، ماهیتاً مستلزم پژوهش و آموزش هستند.

در این مرحله از نهضت اشاعه و تنفیذ اصول نوین تعاون، نقش حیاتی:

- تحقیق: برای حل مسائل علمی، ابداع راه و روشهای نوین، و تولید تکنولوژیهای مناسب،
- آموزش: برای تربیت کارشناسان و کارگزاران متخصص تعاون، و
- ترویج: برای اشاعه نوآوری‌های مفید و مناسب در بین گروه‌های مردمی داوطلب، مشخص، و لذا ضرورت به هم - پیوستگی سه عامل تحقیق، آموزش و ترویج در فرآیند نهضت فرهنگی تعاون را مسجل می‌سازد.

در مراحل اجرایی، نقش یک نظام ترویجی مبتنی بر «آموزش و پژوهش» در نهضت تعاون، ارایه آموزش‌های مستمر به اعضای گروه‌های «هدف» برنامه‌ها به منظور ارتقاء سطح اطلاعات و معلومات و نتیجتاً تکامل کیفی آنان برای نیل به مرحله خود - اتکایی و خود - یاری و در تکمیل آن، تداوم ارتباطات آموزشی برای ایجاد و پرورش هسته‌های رهبری در جریان پی‌ریزی تشکلهای سازمان یافته تعاونی است. مضاف بر این، یک نقش دیگر ترویج در این نهضت، انتقال و انعکاس مسائل، مشکلات و نارسایی‌ها